



# فرهنگ اسلامی و خاورشناسی

بسام داود عجبک

ترجمه: عباسعلی براتی

فراوانتر. و هنوز همه کتابخانه‌های دنیا فهرست نشده‌اند. بنابراین بهتر است در صدد شمارش تقریبی نسخه‌های خطی اسلامی در کتابخانه‌های دنیا باشیم.

- قبل از بررسی این مسأله، ناگزیر باید اشاره‌ای تاریخی و گذرا به توجه مسلمین به کتاب و همچنین فراوانی نسخه‌های خطی اسلامی داشته باشیم.

توجه به نگارش و تالیف از نخستین روزگار طلوع خورشید اسلام آغاز شد. مسلمانان به نوشتن قرآن، توجه فراوان داشتند. سپس علوم مختلف قرآنی پدید آمد و علوم حدیث و دیگر علوم اسلامی (فقه، عقائد، اخلاق، لغت، تاریخ و ...) نیز از پی آنها پا به عرصه وجود نهادند.

با پدید آمدن این نهضت علمی، کتاب تنها وسیله ثبت علوم بود و همپای آنها رشد کرد و مسلمان ناگزیر شدند کتابخانه‌های مختلفی را پدید آورند. اینک نگاهی کوتاه به انواع کتابخانه‌ها در تاریخ اسلام داریم و چند نمونه را با تعداد کتابهای آنها مورد اشاره قرار می‌دهیم.

۱. کتابخانه‌های مساجد: کتابخانه در هر مسجد بزرگ و کوچکی وجود داشت و در جامعه آن روز نقش مهمی ایفا می‌کرد. مهمترین هدف این کتابخانه‌ها، آموزش طلاب در علوم اسلامی بود. به همین دلیل، کتابهای مختلفی در رشته‌های گوناگون علمی در کتابخانه‌ها هر مسجد وجود داشت. مثلاً کتابخانه مسجد ابن طولون در مصر، به تنهایی ۸۱۴ کتاب

روشن است که تمدن اسلامی، دستاورد همه بشریت است و به تمام معارف و علوم بشری خدمت کرده است. هیچ رشته علمی نبوده، مگر آنکه سری به آن زده و از هر چشمه‌ای، مستی بر گرفته و در غنی‌تر ساختن اندیشه انسانی شرکت کرده است. نتیجه طبیعی پیدایش و پیشرفت این تمدن، قلم و کاغذ بوده که دو ابزار اساسی این تمدن هستند. عرب، شعر این شاعر را فراموش نمی‌کند که سرود:

العلم صیّد والکتابه قیْدُه  
قیْد صیودک بالجبال الوثیقه  
فمن الجهالة ان تصیّد غزاة  
ثم تدعها بین الخلائق طالقة

دانش، شکار توست و نوشتن، بند آن. با ریسمانهای سخت، شکار را به بند کش. از نادانی است که آهویی را شکار کنی و سپس آن را میان مردم رها سازی.

چگونه ممکن است مسلمانان ارزش قلم و کاغذ را در نیابند و حال آنکه خداوند فرموده است: «ن والقلم و ما یسطرون» - به همین دلیل گنجینه کتاب در تمدن اسلامی، در زمینه میراث بشری بیشتر و مهمتر است. کتابخانه‌های جهان، پر است از کتابهای مربوط به تمدن اسلامی. به همین دلیل، نمی‌توان شمارش کرد که تعداد نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های دنیا تا چه اندازه است. علت اصلی این اشکال، آن است که کتابخانه‌های دنیا فراوان هستند و کتب خطی نیز

در علوم قرآنی داشت.<sup>۱</sup>

۲. کتابخانه‌های خصوصی: وزیران، فرمانروایان، ثروتمندان و علما، علاقه داشتند که در خانه خود کتابخانه‌ای تأسیس کنند. این کتابخانه‌ها، به روی دانشمندان باز بود و می‌توانستند از کتابهای آن استفاده کنند. یکی از مشهورترین این کتابخانه‌ها، کتابخانه صاحب بن عباد، وزیر معروف است. همچنین کتابخانه واقدی، تاریخ نویس نامدار، در خور ذکر است که برای جابجایی آن از بغداد، به ۱۲۰ شتر نیاز داشت.<sup>۲</sup>

۳. کتابخانه‌های دانشگاهی: کتابخانه‌های عمومی دانشگاهها نیز فراوان بود: از جمله دارالحکمة در بغداد که تعداد کتابهای آن به دو میلیون می‌رسید. کتابخانه دانشگاه الازهر در قاهره، کتابخانه ظاهریه در دمشق، کتابخانه زیتونه در تونس، کتابخانه قیروان در تونس، کتابخانه قرویین در فاس (مراکش) و مانند آنها. یکی از این کتابخانه‌ها، در منطقه "جزیره" در سوریه، در مناطق شمالی شام و در شهر "آمد" بود که یک میلیون و چهل هزار کتاب در آن، در زمان صلاح الدین ایوبی شمارش شده بود.<sup>۳</sup>

اینها نمونه‌های کوچکی از تاریخ تمدن اسلامی است که می‌تواند گستره میراث فرهنگی اسلام و دوره‌های خیزش آن را نشان دهد.

اینک یک سؤال پیش می‌آید که این همه میراث فرهنگی کجا رفته است؟ گفتنی است روزگاری بر تمدن اسلامی گذشته که فرهنگ و دانش بی‌ارزش گردید و نتیجه طبیعی آن، جفا بر کتاب و کتابخانه بود. علت آن هم، این بوده که در این دوران جهان اسلام، دستخوش تعصب و جهل گردیده و کتابها به دورترین نقاط انتقال یافت و یا سوزانده و تلف شد.

مثلاً در بغداد، در روزگار خلافت ناصر عباسی، یکی از دانشمندان به نام عبدالسلام الجیلی البغدادی، درخشید. ولی او را به کفر و زندقه متهم ساختند و محکوم به این شد که باید همه کتابهای او را به میدانی به نام "رحبه" بیاورند و در برابر چشم مردم بسوزانند!<sup>۴</sup>

در مغرب نیز برخی از مذاهب فقهی سرکوب شد و در نتیجه، محموله‌های بزرگ کتاب را می‌آوردند و به آتش می‌کشیدند.

علل دیگری نیز چون آشوبها و حوادث طبیعی و شورشهای داخلی، آتش سوزیهای بزرگ و به قدرت رسیدن زمامداران نادان در این مساله سهم داشتند.

شاید یکی از مهمترین حوادث در این زمینه، حمله مغول باشد که تمام کتابخانه‌های بزرگ و زیبا را نابود کردند. آنان به هر جا پا نهادند، دست به ویرانی زدند و وقتی که به بغداد پا نهادند، همه کتابها را به دجله ریختند. حتی گفته‌اند تا چهل روز آب دجله از مرکب این کتابها سیاه بوده است.

محمد کردعلی می‌نویسد: هولاکو با کتابهای علما، طویله‌های فراوانی ساخت و به جای آجر در آنها، از کتاب استفاده می‌کرد.<sup>۵</sup>

در اندلس، پس از سقوط تمدن اسلامی، غریبها با تمام توان خود کوشیدند آثار اسلامی را از بین ببرند. کتابخانه‌ها و مدارس را غارت کردند و به آتش کشیدند. بزرگترین فاجعه در این دوران، به دست کاردینال کیسیمنس در سال ۱۵۱۱ میلادی آفریده شد. وی دستور داد هر کتاب عربی را که در شهر غرناطه بیابند، به آتش کشند. کتابها در میدانی به نام باب الرحلة به آتش کشیده شد. تاریخ نویسان درباره تعداد کتابهای سوزانده شده اختلاف نظر دارند. ولی بیشتر آنها به رقم یک میلیون و هفتصد هزار کتاب اشاره می‌کنند.<sup>۶</sup>

هنگامی که شارل پنجم، امپراطور روم، در سال ۱۵۲۶ میلادی به شهر تونس حمله و آن را اشغال کرد، همه کتابهای خطی عربی را گردآورد و به آتش کشید.<sup>۷</sup>

جنگهای صلیبی بزرگترین فاجعه برای میراث فرهنگی اسلام بود. چه کسی می‌تواند آمار کتابهایی را که صلیبیان در حملات خود در مدت دو قرن (۱۰۹۶ تا ۱۲۹۱ م) سوزاندند، شمارش کند؟ در این حملات، یکی از مهمترین اهداف حملات صلیبیها، کتابخانه‌های مسلمانان بود. کتابخانه‌های بنی‌عمار در طرابلس شام، کتابخانه قدس و عسقلان و غزه و معره و ... به آتش کشیده شد. مورخان، شمار کتابهای شهر طرابلس شام را سه میلیون جلد برآورد کرده‌اند.<sup>۸</sup> آنچه اکنون برای ما از این میراث باقی مانده، یا در جهان اسلام است و در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نگهداری می‌شود. و یا به اروپا و غرب برده شده است. ما این مساله را- به یاری خدا- در صفحات آینده بررسی خواهیم کرد.

**میراث فرهنگی اسلام چگونه و به چه میزان به غرب منتقل شده است؟**

تمدن اسلامی در مدت شش قرن یا بیشتر، یعنی میان قرن

یافت و ما می‌توانیم آنها را از میان تحقیقات دانشمندانی که در این باره آثاری فراهم آورده‌اند، نشان دهیم.

نخست: در کتاب *الدراسات العربية والاسلامية في اوربا* می‌خوانیم:

«... تا اینکه قرن هجدهم دوران حاکمیت استعمار غربی بر کشورهای اسلامی فرا رسید. گروهی از علمای مغرب زمین به مطالعهٔ زبانهای این کشورها پرداختند. آنان با یورش به نسخه‌های خطی در کشورهای اسلامی، بخش مهمی از آنها را به چنگ آوردند و برخی دیگر را بابهای اندکی خریدند و آنها را به کشورهای خود بردند که این گنجینه را امروز با هیچ بهایی نمی‌توان ارزشیابی کرد.»

در قرن شانزدهم، مبادلهٔ سفیر با دولت عثمانی رواج یافته بود. در این دوره، کشورهای غربی سفرا و کاردارهایی را استخدام می‌کردند که به زبانهای شرقی آشنا بودند و برخی از آنها به جمع‌آوری نسخ خطی عربی پرداختند. «(ص ۲۱) «روابط بازرگانی، نقش مهمی در فعال کردن و متحول ساختن مطالعات عربی در قرون وسطا داشت ... و سرانجام مایهٔ ریشه‌دار شدن روابط با مسلمانان گردید. پیامد آن، روابط تجاری با حلب و اعزام سفیر بریتانیا به استانبول بود که جمع‌آوری نسخه‌های خطی را آسانتر کرد.» (ص ۳۱).

«بوکوک، خاورشناس انگلیسی، پنج سال در حلب ماند و به عنوان مبشر و میسیونر مذهبی تا سال ۱۹۳۰ میلادی در آنجا زبان عربی را فرا گرفت ... در سال ۱۹۳۷ به آستانه رفت و در آنجا به یک مجموعهٔ گرانبهای عربی دست یافت. وی هنگامی که در حلب بود، شخصی را به نام احمد الدرویش برای بازنویسی و جمع‌آوری این نسخه‌ها اجیر کرد. این نسخه‌ها اینک بخشی از گرانبهاترین نسخه‌های خطی را در کتابخانهٔ بودیه در بریتانیا تشکیل می‌دهند.» (ص ۲۳).

دربارهٔ خاورشناس معروف، جوهان بورکهایت، می‌نویسند:

«او زندگی‌اش را در رفت و آمد میان سوریه و لبنان فلسطین و شمال سودان و قاهره و ... سپری کرد و نسخه‌های خطی خود را که در سفرهایش به دست آورده بود، وقف دانشگاه کمبریج کرد.» (ص ۳۵).

دربارهٔ روابط اسپانیا با مطالعات عربی و اسلامی آمده

هفتم تا سیزدهم میلادی، شکوفا بود. در این دوره، کشورهای اسلامی مرکز درخشش و سرچشمهٔ تمدن بشری به شمار می‌رفت. اروپا در این دوره به خواب عمیقی فرو رفته بود و دوران تاریک قرون وسطی را طی می‌کرد. ولی این حالت با گذشت روزگار تغییر کرد و فشارها و حملات خارجی و آشوبها و عقب ماندگی در داخل، تغییراتی را سبب شد. و یکی از آثار این تغییر، انتقال میراث فرهنگی اسلام به جهان غرب بود. این انتقال از راههای نو و کهنه‌ای صورت گرفت. کانالهای قدیمتر عبارت بودند از: جزیرهٔ صقلیه (سیسیل) در جنوب ایتالیا، سقوط اندلس اسپانیا و جنگهای صلیبی. و کانالهای جدیدتر عبارت بودند از: استعمار جدید اروپایی، یورشهای باستان شناسان و کاشفان و شرکتهای حفاری و سرقتهای رسمی و غیر رسمی.

– کانالهای قدیمی به سبب برخورد مستقیم میان مسلمانان و غربیها بود؛ بویژه آنکه مسلمانان درها را به روی دانش پژوهان اروپا باز گذاشته بودند و آنها را در سیسیل و اندلس و مغرب عربی می‌پذیرفتند. وقتی این دژها فرو ریخت، اروپاییها همهٔ گنجینه‌های ارزشمند آن را غارت کردند. و هنگامی که سپاه صلیبی به اروپا بازگشت، گنجینه‌های فرهنگی اسلامی را با خود داشت.<sup>۹</sup>

کانالهای جدید را می‌توان سرقت از ملت‌ی به سود ملت دیگر نامید. این سرقت، از راههای زیر انجام می‌شود:

۱. سرقتهای فردی: این کار هنوز هم یکی از مهمترین روشهای انتقال میراث اسلامی به غرب است.

۲. سرقتهای رسمی: این کار از راه اعزام هیئتهای علمی اکتشافی، یا از راه شرکتهایی که با کشورهای اسلامی قرارداد دارند، انجام می‌شود. اینان با حفاری، بسیاری از آثار باستانی و میراثهای فرهنگی کشورهای میزبان را به کشورهای خود می‌برند. گاه این سرقتها از راه یک شرکت استعماری که برای مدتی در جهان اسلام حاکمیت کامل دارد، انجام می‌شود و با این کار به آسانی ثروتهای اسلامی را به کشور خویش می‌برد.

۳. نیاز مالی: گاه افراد یا مؤسساتی که این میراث را در اختیار دارند و ارزش مادی آن را نمی‌دانند، آن را به بهای اندکی می‌فروشند. و گاه دولتها نیز میراث فرهنگی خود را به صورت رسمی و زیر پوشش مبادلهٔ فرهنگی یا ارسال هدایای سمبلیک یا زیر فشار دولتهای غربی به آنها می‌فروشند.

برای هر یک از نمونه‌های فوق، مثالهای فراوانی می‌توان

است:

«اسپانیا وارث نسخه های خطی به دست آمده بر اثر سقوط دولت اسلامی بود. این نسخه ها در سال ۱۴۹۲ میلادی، بسیار قدیمی به حساب می آمدند.» (ص ۱۲۳).

همچنین آمده است:

«پدر فرحات شرقی در سال ۱۷۱۲ میلادی به دیداری از اسپانیا پرداخت و نسخه های خطی عربی گرانقدری به دست آورد.» (ص ۱۲۵).

درباره کتابخانه اسکوریال آمده است:

«جمع آوری مخطوطات در این کتابخانه از زمان فیلیپ دوم آغاز شد و در زمان شارل سوم ادامه یافت. فیلیپ دوم، علمایی را از شرق به همراه نسخه های خطی آنان به کشور خود آورد که از جمله آنها، میخائیل الغزیری، اهل لبنان بود.» (ص ۱۷۵).

درباره خاورشناسی در آلمان و توجه خاورشناسان این

کشور به میراث اسلامی آمده است:

«آلمانیها از دیر زمان به گردآوری نسخ خطی پرداختند. این کار را از سال ۹۵۶ آغاز کردند. در آن زمان، مبادلاتی در این زمینه میان عبدالرحمان ناصر و یکی از پادشاهان آلمان صورت گرفت.» (ص ۱۸۵).

دوم: در موسوعه المستشرقین آمده است:

خاورشناس انگلیسی، براون در سفرهای خود نسخه های خطی فراوانی خرید که یک بخش از آنها مجموعه مشهور "شیفر" است. (ص ۵۲).

«خاورشناس هلندی، جولیوس، چهار سال در سوریه بسر برد و با پول فراوانی که دانشگاه لیدن به او داده بود، دوپست و پنجاه نسخه خطی ارزشمند خریداری کرد.» (ص ۱۲۶).

یک کاردینال عراقی به نام پتونی، مجموعه ای شامل دوپست و هفتاد و شش نسخه خطی به کتابخانه واتیکان اهدا کرد. این کار در قرن هیجدهم صورت گرفت. (ص ۱۶۴).

خاندان آل سمانی که مسیحی لبنانی هستند، به گردآوری و خرید نسخه های خطی برای واتیکان پرداختند. مشهورترین آنها یوسف السمانی بود که پاپ کلیمان در سال ۱۷۱۵ او را برای جمع آوری مخطوطات به مصر فرستاد. او در آنجا با

قطبها دیدار کرد و نسخه های خطی فراوانی از آنها خرید و سپس به سوریه رفت و اسقفها و کشیشهای آنجا همه نسخه های خطی خود را به او دادند. مجموعه این نسخه ها به دو هزار رسید. (ص ۲۴).

«در خلال جنگهای روس با کشورهای اسلامی، روسها حدود هزار نسخه خطی را ربودند و به کتابخانه پتر سبورگ بردند.» (ص ۳۲۴).

«سراسقف گریگور آهنگر در سال ۱۹۱۳ چهل نسخه خطی را به تزار روس اهدا کرد.» (ص ۳۲۴).

«یک خاورشناس روسی بر یک مجموعه خطی در ولایت ترکستان دست یافت.» (ص ۳۲۴).

«زایتس، خاورشناس آلمانی، که به دور دنیا سفر می کرد، سفرهایی به سوریه و فلسطین و شرق اردن و کشورهای عربی و جنوب مصر داشت و شمار فراوانی از نسخه های خطی را گردآوری کرد و به کتابخانه دوکیه در گوته فروخت.» (ص ۲۲۶).

سوم: گفته استاد انور الجندی در کتاب استشراق و الخلفیة الفکرية:

«در این مرحله - سخن در استعمار کشورهای اسلامی است - توانستند هزاران نسخه خطی را از جهان اسلام بر بایند و به دانشگاهها و کتابخانه های خود ببرند و مطالعه کنند و سپس در باز پس دادن آنها به مسلمانان، راه و رسم زورگویی پیشه سازند.»<sup>۱۰</sup>

چهارم: سخن محقق مشهور محمود حمدی زقزوق:

«خاورشناسان از دیر باز به جمع آوری نسخه های خطی عربی در همه سرزمینهای اسلامی خاور زمین، اهمیت فراوانی می دادند. زیرا ارزش این نسخه ها را می دانستند و آگاه بودند که اینها میراث سرشاری را در همه علوم در بر دارد. برخی از پادشاهان و فرمانروایان اروپا برای کشتیهای بازرگانی که به مشرق زمین می آمدند، خرید نسخه های خطی را اجباری کرده بودند ... از زمان حمله فرانسه به مصر در سال ۱۷۹۸، نفوذ اروپا در مشرق رو به افزایش نهاد و به همین سبب نسخه های خطی فراوانی از مشرق به مغرب رفت.» (ص ۶۱).

«... ویلهلم، پادشاه آلمان، ریچارد لیبسیوس را در سال ۱۸۴۴، و فرد دیگری را به نام پترمان در سال ۱۸۵۲ به مصر

فرستاد تا نسخه های خطی را خریداری نمایند. (ص ۶۱).  
«جمع آوری مخطوطات از مشرق زمین، هم از راه های  
قانونی و هم از راه های غیر قانونی انجام می شد.  
(ص ۶۱).

پنجم: مجله الفکر العربی:

«بوستیل، جهانگرد فرانسوی، در سال ۱۵۸۱، نسخه های  
خطی را که از مشرق زمین آورده بود، به کتابخانه هایلدبرگ  
فروخت. «(شماره ۳۱، ص ۱۹۰).

«گامازوف، خاورشناس روسی سفری به استانبول و مصر  
کرد و در این سفر مجموعه ای از نسخه های خطی را در  
سال ۱۸۹۳ خرید. (ص ۲۴۳).

«بارتولد، خاورشناس روسی، به دنبال یک رشته حفاری در  
ترکمنستان، به نسخه خطی دست یافت. «(ص ۲۴۹).

«جلازر، جهانگرد آلمانی، نسخه های خطی کتابهای معتزله  
را در یمن یافت. این نسخه ها به دوپست و چهل و شش  
عدد می رسید. او آنها را به کتابخانه برلن فروخت.  
(ص ۳۰۷).

«کابرونی، بازرگان ایتالیایی، تعداد ۱۶۱۰ نسخه خطی را از  
صنعا به دست آورد و در سال ۱۹۰۳ آنها را به کتابخانه  
آمبروزیانا فروخت. «(ص ۳۰۷).

ششم: سخن دکتر علی حسنی خربوطلی:

«... دولتهای عربی در آغاز قرن بیستم تحت قیمومت  
کشورهای اروپایی بودند. در این دوره، درهای این کشورها  
بر روی خاورشناسان باز بود و آنها با آزادی کامل در این  
کشورها فعالیت می کردند. دولتهای قیم، فرهنگ آن  
کشورها را به هر سو که می خواستند هدایت می کردند و  
برای آموزش و پرورش آنها به گونه ای که می خواستند،  
برنامه ریزی می کردند. خاورشناسان در این دوره، آزادانه در  
کتابخانه خاورمیانه عربی می گشتند و هر گاه که  
می توانستند، به نسخه های خطی دستبرد می زدند و یا از آنها  
عکس می گرفتند و یا نسخه برداری می کردند همچنین آثار  
باستانی را در سرزمینهای عربی مورد کاوش قرار می دادند و  
بیشتر آنها را می ربودند تا موزه های اروپا را پر کنند. ۱۱

از این سخنان، کاملاً روشن می شود که میراث فرهنگ  
اسلام، چگونه به اروپا سرازیر شد. حال این سؤال پیش می آید  
که حجم آثار فرهنگی اسلام که فعلاً در اروپا موجود است، تا

چه حد تخمین زده می شود؟

پاسخ دادن به این سؤال، از بررسی موارد زیر روشن  
می شود:

۱- دکتر منجد شمار تقریبی نسخه های خطی موجود در  
آلمان را اعلام کرده و می گوید:

«فهرست نسخه های خطی عربی در کتابخانه برلن که در ده  
جلد ضخیم، توسط الورد نوشته شده، نزدیک به بیست هزار  
است. ۱۲»

۲- دکتر الدیب درباره شماره نسخه های خطی گم شده،  
می نویسد:

این حجم میراث ماست. نزدیک سه میلیون نسخه خطی از آن  
باقی مانده است. ۱۳»

۳- استاد حیتکه می نویسد:

«... شمار بزرگی از مخطوطات کمیاب عربی به  
کتابخانه های اروپا منتقل شد که تا اوائل قرن نوزدهم به  
دوپست و پنجاه هزار می رسید و روز به روز، رو به افزایش  
است. ۱۴»

۴- در کتاب الدراسات العربیة والاسلامیة فی اروپا آمده  
است:

تعداد نسخه های خطی موجود در اروپا به یک چهارم میلیون  
می رسد. (۴۹) نسخه های خطی در اروپا هم اکنون در  
محل های ذیل قرار دارد.

بریتانیا:

«در کتابخانه موزه بریتانیا، نسخه های خطی در دو جلد  
(هر جلد هزار صفحه) فهرست شده که مجموع آنها بیش از  
چهار هزار نسخه است. در کتابخانه انجمن آسیایی شاهنشاهی  
که یک کتابخانه قدیمی است و در سال ۱۸۰۱ پایه گذاری شده،  
بیش از چهارصد هزار نسخه خطی وجود دارد. ۱۵»

در کتابخانه آکسفورد و کمبریج، مجموعه های مهمی از  
نسخه های خطی عربی وجود دارد. از جمله، نسخه های به  
جای مانده از خاورشناس هلندی، اربانیوس، شامل  
هشتاد و پنج نسخه است. همچنین بیست نسخه که نکولاس از  
استانبول آورده و نیز سه مجموعه دیگر که یادگار خاورشناس  
معروف، لور، است شامل صدها نسخه می شود. ۱۶»

در دانشگاه درهام، بهترین نسخه های خطی عربی وجود  
دارد که حدود صد و بیست هزار نسخه می شود. ۱۷»

انگیزه‌های گوناگونی دارد که ما اینک برخی از آنها را می‌آوریم:

#### نظر دکتر میشل حجا

«بی‌گمان، نخستین انگیزه‌ای که اروپاییان را در قرون وسطا به فراگیری زبانها و ادیان و علوم شرق واداشت، انگیزه دینی بود. هدف آموختن زبان عبری (زبان تورات) و آشنایی سطحی با اسلام و عربی آن بود تا از این راه دین مسیح را در میان مردم خاور زمین تبلیغ کنند.»<sup>۲۰</sup>

#### نظر دکتر قاسم السامرای

گردآوری نسخ خطی در واقع به منظور خدمت به اعراب و مسلمین نبود، بلکه بیشتر جوشیده از علاقه به گردآوری کلکسیون آداب و سنن و آثار باستانی و عتیقه و تجمل و تجارت بود. بهره برداری از آنها بیشتر به وسیله خاورشناسانی بود که با اهداف گوناگون صورت می‌گرفت. آنها این آثار را برای بالا بردن سطح فرهنگ اعراب یا مسلمین منتشر نساختند، بلکه بیشتر مطرح ساختن خود و سود ناشرین مطرح بود.»<sup>۲۱</sup>

#### نظر استاد انورالجنیدی

خاورشناسان به مطالعه میراث فرهنگی ما پرداختند تا ما را درباره تمدن خودمان به شک و تردید اندازند و تبلیغ کنند که این تمدن ساخته و پرداخته مسلمانان نیست، بلکه برگرفته از تمدن روم باستان است.»<sup>۲۲</sup>

#### نظر محمد یوسف موسی

«در غرب انسانهایی پیدا شدند که عمر خود را صرف مطالعه میراث فرهنگ اسلامی به تمام معانی آن کردند تا علل پیدایش این نیروی خارق‌العاده و عناصر اصلی تمدن اسلامی را کشف کنند. یعنی آنچه انسان غربی را به مطالعه میراث فرهنگی اسلام واداشت، حیرت و اعجاب او در برابر جهان شرق و حس درونی او بود که او را وادار می‌کرد در برابر گسترش بیشتر اسلام بایستد.»<sup>۲۳</sup>

#### نظر دکتر احمد اسمایلوویچ

«غرب نزد شرقیان گنجینه بزرگی از تمدن یافت، پس به مطالعه آن بویژه مطالعه درباره اسلام پرداخت و دستاوردهای این دین و پیروان آن را در ابعاد سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بررسی کرد، و بدین ترتیب غرب با تمام وجود به مطالعه میراث فرهنگی اسلام پرداخت تا از آن برای بازسازی تمدن خود استفاده کند.»<sup>۲۴</sup>

#### نظر خاورشناس معروف کوبلرینگ

«علت توجه خاورشناسان به این میراث فرهنگی،

در کتابخانه مرکز خاورمیانه، در حدود بیست و سه هزار جلد نسخه خطی وجود دارد.

در کتابخانه دانشگاه آدن باره، مجموعه بزرگی از نسخه‌های خطی موجود است.<sup>۱۸</sup>

ایتالیا:

گابریلی، خاورشناس مشهور، نسخه‌های خطی موجود در ایتالیا را به سال ۱۹۲۳ فهرست کرد. این فهرست، شامل پانزده هزار جلد از صد و هجده کتابخانه در پنجاه و نه شهر است.<sup>۱۹</sup>

اسپانیا:

هارتویچ خاورشناس معروف، نسخه‌های خطی کتابخانه اسکوریال را در سال ۱۸۸۴ فهرست کرد که شمار آنها به ۱۸۵۲ نسخه خطی می‌رسد.

همچنین مجموعه‌های بزرگی در نسخه‌های خطی در این کتابخانه‌ها وجود دارد:

۱- کتابخانه ملی در مادرید، شامل شصت و شش نسخه خطی

۲- کتابخانه آکادمی سلطنتی تاریخ

۳- کتابخانه آکادمی سلطنتی زبان

۴- کتابخانه دانشگاه غرناطه (گرانادا)

۵- کتابخانه دانشگاه اشبیلیه

۶- کتابخانه دانشگاه طلیطله (تولیدو)

آلمان:

- مجموعه‌های نسخ خطی در این مکانها وجود دارد: دانشگاه آزاد برلن، دانشگاه بن، دانشگاه توینگن، دانشگاه گوتن، دانشگاه فرانکفورت، دانشگاه مونیخ، دانشگاه هامبورگ، دانشگاه هایدلبرگ و انستیتوی زبانهای شرقی در برلن.

- این گذرشتابان بر کتابخانه‌ها و دانشگاه‌های اروپا نشان می‌دهد که حجم میراث فرهنگ اسلامی که در دست اروپاست، نزدیک به نیم میلیون نسخه را شامل می‌شود. حال باید دید که چرا اروپاییها تا این اندازه به میراث فرهنگی اسلام علاقمند هستند؟

#### علت توجه خاورشناسان به میراث فرهنگی

اسلام

توجه خاورشناسان به میراث فرهنگی اسلام علل و

قدردانسان‌شناسی از آن بوده است. این فرهنگ از دو جهت بر جهانیان منت دارد:

۱- میراث فرهنگی ملت‌های گذشته، مانند یونان، را به آیندگان منتقل ساخته است.

۲- اروپا از این میراث استفاده برده و تمدن جدید خود را بر پایه آن نهاده است.<sup>۲۵</sup>

- از این نظریات گوناگون و با دقت در انگیزه‌های کلی خاورشناسی می‌توان مهمترین علل توجه خاورشناسان به میراث اسلامی را در این چند نکته خلاصه کرد:

#### نخست: انگیزه دینی

میراث اسلامی، تمامیت دین اسلام را در بر دارد و شرح کامل عقاید اسلامی، سیره پیامبر، و فلسفه دین اسلام، که مبنای عمل مسلمانان بود و این تمدن را پدید آورده، در آن نهفته است. از همان آغاز پیدایش و گسترش اسلام، یک تفکر دینی بر اروپا حاکم بود که از اسلام و مسلمین می‌هراسید. به همین دلیل و با انگیزه‌های دینی مسیحی اروپاییان به مطالعه میراث فرهنگی اسلام روی آوردند.

#### دوم: انگیزه‌های تبشیری

غرب و اروپا به اسلام با این دید نگاه می‌کرد که خطری است که از مشرق آمده و موجودیت غرب مسیحی را تهدید می‌کند به همین دلیل اروپاییان همه کوشش و تلاش خود را متوجه اسلام ساختند و یکی از راه‌های مقابله با اسلام، تبلیغ مسیحیت در میان مسلمانان بود. بنابراین غربیها به مطالعه میراث فرهنگی اسلام پرداختند تا بتوانند در دل مسلمین راهی پیدا کنند و آنها را مسیحی سازند.

#### سوم: انگیزه استعماری (و استعمار جدید سیاسی)

مطالعه میراث فرهنگی اسلام به وسیله مستشرقین - که در دو قرن گذشته به تمام معنا در رابطه با استعمار بوده‌اند - کار استعمارگران را برای اشغال کشورهای اسلامی آسانتر کرد. زیرا میراث فرهنگی اسلام، شخصیت انسان مسلمان را نشان می‌داد و بررسی نقاط ضعف و قوت این شخصیت کار سلطه‌گران را آسانتر می‌ساخت.

#### چهارم: انگیزه علمی

هنگامی غرب تمدن اسلامی را شناخت که در زمینه‌های مختلف زندگی به چه پیشرفت‌هایی دست یافته، با شتاب به دستیابی بر این علوم، که زیر بنای تمدن اسلامی بود، روی

آوردند؛ به این امید که بهره‌های علمی بیشتری ببرند که در دگرگونی زندگی به کار آید.

#### پنجم: انگیزه روانی

غربیها پیش خود تصویری از انسان مسلمان داشتند که کتابهای تخیلی مانند *اغانی و هزار و یک شب* برای آنها پدید آورده بود و یا روحانیون مسیحی ساخته و پرداخته بودند؛ مثل اینکه مسلمان، انسان ترس آوری است. به همین سبب خاورشناسان به میراث اسلامی توجه کردند تا این موجودات ترس آور را بهتر بشناسند.

### مکتبهای خاورشناسی کدامیک از کتابهای اسلامی را تحقیق کرده‌اند؟

- با توجه به کمبود منابع و مآخذ در این زمینه، نمی‌توان حکم قطعی درباره آن کرد. زیرا استقصای کامل برای افراد در این زمینه غیر ممکن است. نسخه‌های خطی عربی فراوان و در همه کتابخانه‌های جهان موجودند و در قرن حاضر نیز یک نهضت عظیم علمی فرهنگی در جهان اسلام صورت گرفته و مسلمانان در پی احیای میراث فرهنگی خود به صورتی شایسته بر آمده‌اند.

بنابراین ما می‌کوشیم مهمترین کارهایی را که سران خاورشناسان در زمینه تحقیق و نشر کتب اسلامی انجام داده‌اند، بر شماریم و این کار را با ارائه نمونه‌هایی از مهمترین مکاتب خاورشناسی که دست‌اندر کار تحقیق و نشر هستند انجام می‌دهیم. در کنار آن برخی آمارهای دیگر نیز ارائه خواهیم کرد.

#### (۱) - مکتب انگلیسی

۱- مارگلیوت (م ۱۹۴۰م) کتاب *معجم الادبا و اشعار فلسفی ابوالعلاء معری*.<sup>۲۶</sup>

۲- رینولد نیکلسون (م ۱۹۴۵م)، کتاب *اللمع*.<sup>۲۷</sup>

۳- بوکوک (م ۱۹۹۱م) کتاب *حی بن یقطان*.<sup>۲۸</sup>

۴- ویلیام لاین (م ۱۸۷۶م) *هزار و یک شب*.<sup>۲۹</sup>

۵- لایل (م ۱۹۲۰): *المفضلیات*.<sup>۳۰</sup>

۶- آربری (م ۱۹۶۹): *المواقف والمخاطبات و رباعیات خیام*.<sup>۳۱</sup>

۷- کیورتن (م ۱۸۶۴): *العقائد النسفیة والملل والنحل*.<sup>۳۲</sup>

۸- نیکلسون (م ۱۹۴۵): *ترجمان الاشواق*، نوشته

- ابن العربی و تذکرة الاولیاء، نوشته عطار. ۳۳
- ۹- انجمن سلطنتی آسیا در بریتانیا: الانساب نوشته سمعانی و تجارب الامم نوشته ابن مسکویه. ۳۴
- (ب): مکتب فرانسوی
- ۱- باریه دی (م ۱۹۰۸): مروج الذهب نوشته مسعودی. ۳۵
- ۲- بیلو (م ۱۹۰۶): القلائد الدرّیة من الاناجیل السّریة والفص النضیر. ۳۶
- ۳- دوژه (نامعلوم): نفع الطیب فی غصن الاندلس الرطیب. ۳۷
- ۴- سن ژنتی (م ۱۸۸۳): الاحکام العتیقة. ۳۸
- ۵- کوربن (م ۱۹۷۸): اصوات اجنحة جبرئیل وکشف المحجوب. ۳۹
- ۶- ماسینیون (م ۱۹۶۲): اشعار حلاج. ۴۰
- (ج) مکتب ایتالیایی:
- ۱- نلینو (م ۱۹۳۸): زیج الصابی، و اشعار ابن الفارض. ۴۱
- ۲- گابریلی (م ۱۹۴۲): سیره ابن هشام. ۴۲
- ۳- دلاویدا (م ۱۹۶۷): طبقات الشعراء. ۴۳
- ۴- فران شسکو (نامعلوم): اشعار عمر بن ربیع و اشعار ابی نواس. ۴۴
- ۵- کاردینال دی مادیچی: الاناجیل. ۴۵
- ۶- گویدی (نامعلوم): النائمون السبعة فی الکهف و استشهاد النصاری فی نجران. ۴۶
- (د) مکتب اسپانیایی
- ۱- فرانسیسکو (نامعلوم): سیره عترة. ۴۷
- ۲- رییرا (م ۱۹۳۴): شعر الزجل نوشته ابن قزمان. ۴۸
- ۳- کیروس (م ۱۹۶۰): دیوان شعر حازم القرطاجنی. ۴۹
- ۴- سالوادور (نامعلوم): تهافت التهافت. ۵۰
- ۵- فرنادو (نامعلوم): کرامات الیحانسی. ۵۱
- ۶- خندرون (نامعلوم): المقتبس، نوشته ابو حیان. ۵۲
- (ه) مکتب آلمانی:
- این مکتب بیش از همه مکاتب به میراث فرهنگی اسلام توجه داشته و بیش از همه در این رشته کار کرده است:
- ۱- رایسکه (م ۱۷۷۴): چندین دیوان شعری. ۵۳
- ۲- گیورک (م ۱۸۶۱): مفاهمة الظرفاء. ۵۴
- ۳- فلوگل (م ۱۸۷۰): الفهرست و کشف الظنون و محاضرات الادباء. ۵۵
- ۴- آلفرد (م ۱۹۰۹): دیوان ابونواس و دیوان نابغة. ۵۶
- ۵- ساخاو (م ۱۹۳۰): الطبقات الکبری. ۵۷
- ۶- برگستر (م ۱۹۳۳): المختصر فی شواذ القرآن. ۵۸
- ۷- فیشر (م ۱۹۴۹): الفصول والغایات. ۵۹
- ۸- روسکا (م ۱۹۴۹): سرآلسرار. ۶۰
- ۹- شاخت (م ۱۹۶۹): الحیل والمخارج و اختلاف الفقهاء والحیل فی الفقه. ۶۱
- ۱۰- هلموت ریتز (م ۱۹۷۱): فرق الشیعة. ۶۲
- ۱۱- ویر (نامعلوم): الحکایات العجیبة والخبار الغریبة. ۶۳
- ۱۲- آس (نامعلوم): التکت نوشته نظام. ۶۴
- ۱۳- اشتروت مان (م ۱۹۶۰): ردّ الدرّوز علی هجوم النصیریة و تفسیر اسماعیلی. ۶۵
- ۱۴- زنکر (م ۱۸۸۴): المقولات نوشته ارسطو. ۶۶
- ۱۵- دیتریشی (م ۱۸۳۹): رسائل اخوان الصفا و اشعار نوشته عطار. ۶۷
- ۱۶- هابشت (م ۱۸۳۹): الف لیلة و لیلة. ۶۸
- ۱۷- کوزجارتن (نامعلوم): الموسیقی، نوشته فارابی. ۶۹
- (و) مکاتب دیگر
- ۱- ایرینیوس هلندی (م ۱۶۲۴): کتاب الامثال. ۷۰
- ۲- ژولیوس-هلندی (م ۱۶۶۷): موعظة عبدالمیلاد. ۷۱
- ۳- نیبرگ-سوئدی (م ۱۹۷۴): الانتصار والرّد علی ابن الراوندی. ۷۲
- ۴- شوانا-اتریشی (نامعلوم): مختارات من شعر الجلال الرومی. ۷۳
- ۵- گلدزیهر-مجارستانی (م ۱۹۲۱): المستظهر فی الرد علی الباطنیة. ۷۴
- ۶- شولتسز-سوئسی (م ۱۹۲۲): دیوان امیة بن ابی الصلت. ۷۵
- ۷- کراوس-چکسلواکی (م ۱۹۴۴): الزمرد نوشته ابن الراوندی. ۷۶
- ۸- کرچوفسکی-روسی (۱۸۸۳): الرحالة ابن فضلان. ۷۷
- ۹- تیگولیف-روسی (نامعلوم): رحلات سند باد. ۷۸
- ۱۰- رازین-روسی (نامعلوم): الرحالة ابن فضلان. ۷۹
- ۱۱- گرگیس-روسی (نامعلوم): الاغانی. ۸۰
- آنچه از بررسی این مکاتب به دست می آید این است که خاورشناسان به طور منظم و پیوسته روی آثار اسلامی کار



می کرده اند و این ما را بر آن می دارد که بگوئیم خاورشناسان تعداد بسیاری از این آثار را تحقیق کرده اند.

- تحقیق ما، تنها شصت کتاب خطی را ثبت کرده و استقراء ناقصی در زمینه خاورشناسان محقق آثار اسلامی است. اینان مشهورترین شخصیت‌های مکاتب خاورشناسی گوناگون بودند و کارهای آنان که یاد شد؛ مشهورترین آثار تحقیق شده اسلامی است، که مکاتب خاورشناسی بدانها می نازند، و همواره از آنها یاد می کنند، تا آنجا که هر خاورشناس را با نسخه ای که تحقیق کرده می شناسند، در زمینه زمانی که این تحقیقات در آن انجام شده می توان گفت که زمانی نسبتاً طولانی است و سه قرن را در می گیرد و تا نیمه قرن حاضر ادامه دارد، ولی در مقام مقایسه این کارها با تعداد فراوان نسخه های خطی موجود در اروپا که پیش از این نیز از آن سخن رفت بروشنی نمایان است کسی بگوید: خاورشناسان میراث فرهنگی اسلام را تحقیق و نشر کرده اند، سخن نادرستی گفته است که سند و مدرک دقیق علمی ندارد.

- تحقیق دکتر عبدالعظیم الدیب<sup>۸۱</sup> نیز سخن ما را تأیید می کند او بررسی کارهای تحقیقی مستشرقین بر روی آثار اسلامی را با ارائه دو فهرست از مخطوطات عربی تحقیق و منتشر شده، به دقت دنبال می کند؛ به این ترتیب:

(الف) - معجم المخطوطات المطبوعة، صلاح الدین المنجد، در سه جلد.

(ب) - ذخائر التراث العربی، د. عبدالجبار عبدالرحمن، در یک جلد.

- در کتاب اول معجم المخطوطات شمار کلی همه نسخه های خطی که تحقیق و منتشر شده ۱۱۹۶ نسخه قید شده که سهم مستشرقین در این کار ۹۳ نسخه بوده و بقیه ۱۱۰۳ عدد را مسلمانان تحقیق و منتشر کرده اند. یعنی نسبت کار مستشرقان (۷/۷٪) از کل نسخه های خطی یاد شده در آن کتاب است.

- در کتاب دوم، یعنی ذخائر التراث، همه نسخه های خطی تحقیق شده مورد بررسی قرار گرفته اند و مرحله زمانی کار نیز تا پایان قرن هیجدهم میلادی انتخاب شده و سال (۱۹۸۰) پایان دوره ای است که نسخ خطی تحقیق شده در آن در کتاب آمده است.

- دکتر الدیب نمونه هایی از این کتابها را که روی هم رفته ۵۶ صفحه می شود بر داشته، یعنی ۸٪ کل کتاب را؛ زیرا کتاب

خود ۷۰۰ صفحه است و این نتایج را اعلام داشته است:

۱- تعداد مؤلفات یاد شده در این صفحات ۳۲۰ نسخه خطی منتشر شده است.

۲- تعداد نسخه هایی که مستشرقان تحقیق کرده اند، ۳۲ نسخه است.

بنابراین ۲۸۸ نسخه دیگر را خود مسلمان تحقیق و منتشر کرده اند؛ پس نسبت کار مستشرقین تنها ۱۰٪ است.

نکته مهم دیگری نیز وجود دارد و آن، اینکه خاورشناسان به دلیل ارتباط نزدیک با دانشگاهها و هیئتهای علمی، همواره به ثبت و فهرستنگاری از کارهای انجام یافته خود می پردازند و فهرستهای پیاپی منتشره، گویای تلاشهای آنهاست، ولی در جهان عرب و اسلام، چنین پدیده ای کمتر به چشم می خورد و اگر هم باشد ضعیف و ناقص است و علت آن نیز چند امر است که افراد و هیئتهای علمی را از ثبت و فهرستبرداری از کارهای علمی و انتشاراتی باز می دارد.<sup>۸۲</sup>

بنابراین می توان گفت نسبت ۷/۷٪ و یا ۱۰٪ برای خاورشناسان در میان کل تحقیقات نسبت بسیار ضعیفی است و این با ادعاهای مستشرقین در این زمینه هماهنگی ندارد و با اظهارات برخی از علمای مسلمان در جهان عربی و اسلامی نیز سازگار نیست. زیرا اینها می گویند مستشرقان آثار خطی ما را تحقیق کرده اند، و این خدمت شایانی به میراث فرهنگی اسلام است. آنها ما را با تمدن خویش آشنا ساخته اند و گنجینه های زیبای میراث ما را استخراج کرده و به ما و جهانیان عرضه کرده اند!!

#### پاورقیها

۱. المکتبات فی الاسلام. ص ۸۴.

۲. همان. ص ۹۱.

۳. همان. ص ۱۱۵.

۴. همان. ص ۲۰۰.

۵. همان. ص ۲۰۴.

۶. همان. ص ۲۰.

۷. همان. ص ۲۱۶.

۸. نگاه کنید به مقاله المستشرقون والتراث. ص ۶.

۹. المکتبات فی الاسلام. ص ۲۱۱. و نیز کنید به: الدراسات العربیة.

ص ۲۶۴.

۱۰. الفصحى لغة القرآن . ص ۱۴۱ .
۱۱. همان ، ص ۳۰۷ .
۱۲. نگاه كنيد به : المستشرقون والتاريخ الاسلامى ، ص ۵۹ .
۱۳. نگاه كنيد : مقالة «من عظمة الاستشراق الالماني» ، ص ۱۰ .
۱۴. نگاه كنيد به : مقالة «المستشرقون والتراث» ، ص ۶ .
۱۵. اجنحة المكر الثلاثة ، ص ۹۰ .
۱۶. الدراسات العربية والاسلامية فى ازوبيا ، ص ۱۹ .
۱۷. همان ، ص ۷۵ .
۱۸. همان ، ص ۷۵ .
۱۹. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۷۵ .
۲۰. همان ، ص ۷۵ .
۲۱. همان ، ص ۷۶ .
۲۲. همان ، ص ۹۷ .
۲۳. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۲۴۶ .
۲۴. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۶ .
۲۵. نگاه كنيد به الاستشراق بين الموضوعية والافتعالية ، ص ۱۴ .
۲۶. فلسفة الاستشراق ، ص ۱۶۹ .
۲۷. به فلسفة الاستشراق ، ص ۴۲ .
۲۸. به همان منبع ، ص ۵۱ .
۲۹. همان منبع ، ص ۱۶۴ .
۳۰. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۴۲ .
۳۱. همان منبع ، ص ۴۳ .
۳۲. همان ، ص ۳۲ .
۳۳. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۳۷ .
۳۴. همان ، ص ۴۰ .
۳۵. موسوعة المستشرقين ، ص ۳۶۵ .
۳۶. همان ، ص ۳۴۶ .
۳۷. همان ، ص ۴۱۷ .
۳۸. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۷۱ .
۳۹. موسوعة المستشرقين ، ص ۷۱ .
۴۰. همان ، ص ۹۴ .
۴۱. موسوعة المستشرقين فى اروبا ، ص ۱۶۷۱ .
۴۲. موسوعة المستشرقين ، ص ۲۴۴ .
۴۳. همان ، ص ۳۳۶ .
۴۴. همان ، ص ۳۶۵ .
۴۵. الدراسات العربية والاسلامية فى اوروبيا ، ص ۹۵ .
۴۶. الدراسات العربية ، ص ۱۰۵ .
۴۷. همان ، ص ۸۶ .
۴۸. موسوعة المستشرقين ، ص ۱۳۶ .
۴۹. الدراسات العربية ، ص ۱۳۱ .
۵۰. همان ، ص ۱۳۷ .
۵۱. همان ، ص ۱۴۲ .
۵۲. همان ، ص ۱۴۹ .
۵۳. همان ، ص ۱۵۶ .
۵۴. همان ، ص ۱۵۸ .
۵۵. همان ، ص ۱۷۱ .
۵۶. همان ، ص ۱۹۰ .
۵۷. همان ، ص ۱۹۲ .
۵۸. همان ، ص ۶۹۱ .
۵۹. الدراسات العربية ، ص ۱۹۹ .
۶۰. همان ، ص ۲۰۱ .
۶۱. همان ، ص ۵۰۲ .
۶۲. همان ، ص ۲۰۵ .
۶۳. همان ، ص ۲۱۱ .
۶۴. همان ، ص ۲۱۲ .
۶۵. همان ، ص ۲۲۰ .
۶۶. همان ، ص ۲۳۷ .
۶۷. موسوعة المستشرقين ، ص ۱۹ .
۶۸. همان ، ص ۲۲۵ .
۶۹. همان ، ص ۱۷۸ .
۷۰. همان ، ص ۴۲۱ .
۷۱. ظاهرة انتشار الاسلام ، ص ۱۱۳ .
۷۲. موسوعة المستشرقين ، ص ۹ .
۷۳. موسوعة المستشرقين ، ص ۱۲۷ .
۷۴. همان ، ص ۴۱۴ .
۷۵. همان ، ص ۱۹۴ .
۷۶. همان ، ص ۱۲۴ .
۷۷. همان ، ص ۲۶۳ .
۷۸. همان ، ص ۳۲۷ .
۷۹. همان ، ص ۳۲۵ .
۸۰. مجلة الفكر العربى ، شماره ۳۱ ، ص ۲۴۳ .
۸۱. همان ، ص ۲۵۲ .
۸۲. همان ، ص ۲۵۱ .

